



چگونگی و چالش‌های ظهور مرجعیت در افغانستان

گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدناصر اخلاقی

بیت‌اندیشه
۱۳۹۱

اشاره: حجت‌الاسلام والمسلمین محمدناصر اخلاقی، یکی از علمای برجسته کشور و یکی از یاران و نزدیکان حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی است. استاد اخلاقی از ابتدای ظهور مرجعیت آیت‌الله محقق کابلی در متن قضایا بوده و در راستای تثبیت مرجعیت در افغانستان زحمات زیادی را متقبل گردیده است و اکنون نیز یکی از اعضای برجسته نهاد مرجعیت و دفتر آیت‌الله محقق کابلی است. مجله عدالت و امید طی مصاحبه‌ای در رابطه با چالش‌ها و موانع بر سر راه تشکیل مرجعیت در افغانستان و عوامل این‌که چرا و در چه شرایطی حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی این مسئولیت را به دوش گرفت با ایشان گفتگو کرده است.

عزیزان: تشکر جناب استاد از اینکه وقت گذاشتید و ما را در حضور پذیرفتید. سؤال اول که خدمت شما مطرح می‌کنیم این است که با توجه به این‌که شیعیان افغانستان به دلیل دور بودن از مراکز علمی تشیع در زمینه مسائل شرعی با مشکلاتی مواجه بوده، علاوه بر این مشکلات چه عواملی سبب شد که مسئله مرجعیت در بین شیعیان افغانستان مطرح شود و حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی، مسئولیت این بار سنگین را به دوش بگیرد؟

حجت‌الاسلام اخلاقی: بسم الله الرحمن الرحيم. از تشریف آوری شما تشکر می‌کنم. همچنین از بنیاد اندیشه، در رأس آن از استاد دانش که یکی از چهره‌های شاخص فرهنگی افغانستان است، به تعبیری یکی از علمای برجسته مقیم قم ایشان از نظر تفکر و اندیشه مطهری افغانستان است و همچنان در تدوین قانون اساسی افغانستان جایگاه ویژه دارد. فعالیت‌های بنیاد اندیشه کار ماندگاری است و در راستای تثبیت هویت مردم محروم افغانستان، در نوع خودش بی‌نظیر است. ان شاء الله خداوند همه دوستان و عزیزانی که در راستای عزت مردم ما به‌طور شبانه‌روز کار می‌کند از بنیاد اندیشه، استاد دانش و همه مجموعه که در این رابطه تلاش می‌کند حفظ کند و ما هم مزید توفیقات برای آن عزیزان خواهیم.

نهادهای شرعی جامعه تشیع افغانستان ایجاب می‌کرد که باید یک مرجع تقلید خودی و آشنا با فرهنگ و ادبیات خاص جامعه تشیع افغانستان داشته باشیم. عامل اول ظهور مرجعیت حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی هم همین مسائل شرعی بود؛ اما علل و عوامل دیگر پیشه نیز در رابطه به مرجعیت ایشان مؤثر بود. حتماً شما دوستان عزیزان توجه دارید که مرجعیت نیابت عام امام زمان (ع) برکات و ثمرات فراوانی در جامعه تشیع دارد. در گذر زمان ما ثمرات و برکات و دستاوردهای مراجع و نظام تقلید را دیدیم و طبعاً جامعه تشیع افغانستان با توجه به محرومیت تاریخی که داشت، به یک مرجعیتی که آشنا با محرومیت، عنعنات و فرهنگ مردم باشد نیاز بود. این نیاز احساس می‌شد و حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی هم متوجه این مسئله بود. علمای افغانستان، رهبران سیاسی

و جهادی و در کل محرومیت اقتصادی جامعه افغانستان سبب شد که مرجعیت خودی شکل بگیرد. ما در طول تاریخ وابسته به نجف و قم بودیم، چون تکلیف شرعی ما آنجا بود و باید از مراجع تقلید کسب تکلیف می‌کردیم؛ لذا پول در افغانستان و کلید در نجف بود. با توجه با حرمان اقتصادی که مدارس دینی و طلبه‌های ما داشت، حرمان اقتصادی طلبه‌ها و علمای تشیع افغانستان یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری مرجعیت در افغانستان بود. حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی و سایر علمای ما به این نتیجه رسیده بودند که اگر یک مرجعیت بومی از خود افغانستان باشد، در عرصه اقتصادی می‌تواند حدود پنجاه درصد از مشکلات طلبه‌ها و مدارس دینی را حل کند. یکی از عواملی دیگر که در ظهور مرجعیت در افغانستان دخیل بود این است که مرجعیت در عرصه علمی و فقهات دستاوردهای بزرگ دارد. طبعاً وقتی که یک جامعه و ملت از خود مرجع تقلید و یک محوریت دینی و علمی داشته باشد، این مسئله خودش برای استمرار روح آن مرجع انگیزه می‌شود. شما دیدید تا زمانی که حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی، در این عرصه وارد نشد، سایر علما ما جرئت و جسارت پیدا نکردند تا وارد این عرصه شوند؛ در حالی که ما در افغانستان علمای بزرگ داشتیم و مجتهد مسلم بود. آیت‌الله واعظ، آیت‌الله شیخ سلطان مزاری و آیت‌الله سید محمد حسن رئیس بامیانی، همه این‌ها شاگردان آیت‌الله خوبی، آیت‌الله حکیم و آیت‌الله اصفهانی بودند و به مرحله اجتهاد رسیده بود، ولی جرئت و جسارت آن را که وارد عرصه شوند نداشتند.

البته آن هم عوامل و موانع خاص خود را داشت که آن‌ها وارد عرصه نشدند. عوامل و موانع داخلی و خارجی در این عرصه وجود داشت. طلبه‌های ما در حوزه‌های علمیه ایران، عراق و هم در داخل افغانستان از نظر استعداد، فکر و اندیشه بسیار عالی است. نبوغی که طلبه‌های افغانستانی در قم و نجف دارد فقط طلبه‌های ایرانی می‌تواند با آن‌ها رقابت کنند. این نکته را حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی که استاد ما هم بود در یک جلسه فرموده بود: تنها طلبه‌های که می‌تواند با طلبه‌های ایرانی رقابت کند طلبه‌های افغانی است. در

و این زمینه برای رشد و بالندگی نسل جوان حوزه ما شد. حالا در دانشگاه جامعه المصطفی در ایران بهترین پایان‌نامه‌ها را طلبه‌های افغانی نوشته کرده‌اند. یکی از افتخارات آیت‌الله اعرافی این است که در سطح حوزه و سطح بیرون مرزی خدمات بزرگ علمی را انجام داده است و نمونه‌های عینی و علمی‌اش همین پایان‌نامه‌های طلبه‌های افغانی است. آیت‌الله العظمی محقق کابلی وقتی که مرجعیت را پذیرفت، در واقع یکی از علل و عواملش این بود که نسل جوان حوزه ما در عرصه علمی رشد کند و انگیزه پیدا کند. حقیقتاً انگیزه هم پیدا شد و حالا ما حداقل سه مرجع صاحب رساله داریم. غیر از حضرت آیت‌الله العظمی فیاض که ایشان مرجع اعلا‌ی جهان تشیع است، آیت‌الله العظمی فاضل بهسودی، آیت‌الله العظمی موحدی، آیت‌الله العظمی امینی بامیانی و آیت‌الله العظمی واعظ در کابل رساله نوشته‌اند.

همچنان ما ده‌ها طلبه جوان در دهلیز اجتهاد داریم که فعلاً با انگیزه اجتهاد تحقیق می‌کنند و این استعداد را هم دارند. روز گذشته من با یک طلبه جوان در منزل مصاحبه داشتم، خود ایشان حالا یکی از نخبه‌های علمی حوزه است. این جوان و امثال آن پنج سال بعد دیگر آیت‌الله محقق کابلی و آیت‌الله فیاض آینده و حافظ جامعه روحانیت است. این هم عامل دوم بود که در عرصه علمی و تحقیقاتی انگیزه‌ها کم‌رنگ بود و آیت‌الله محقق کابلی احساس تکلیف کرد. ما که در دور و بر ایشان چرخیدیم یکی از عوامل همکاری ما این بود که مرجعیت در جامعه ما نهادینه شود و مرجعیت برکات خاصی دارد.

سوال: مسائل سیاسی و به خصوص استاد شهید مزاری چه نقشی در ظهور مرجعیت آیت‌الله محقق کابلی داشت؟
جواب: حجت‌الاسلام اخلاقی: در ادامه پاسخ قبلی شما باید گفت که عامل سوم در رابطه به مسئله مرجعیت و ظهور مرجعیت، مسئله سیاسی است. در تمام انتخابات از ریاست جمهوری گرفته تا شورای ولایتی حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی دخیل بوده است. پیام‌های بسیار

دهه هفتاد اگریاد شما باشد، رشته‌های تخصصی برای اولین بار در حوزه‌های علمیه رایج شده بود و به‌طور عموم اطلاعیه می‌داد که ما از شاگردان حوزه دانشجو می‌پذیریم. بعد وقتی که امتحان گرفت و پارچه‌های امتحان بررسی شد، پنجاه درصد آن طلبه‌های افغانی و پنجاه درصد دیگر آن بقیه طلاها بود.

این مسئله برای مسئولین حوزه علمیه گران تمام شد که ما این همه هزینه کنیم، ولی پنجاه درصد آن افغانی‌ها وارد دانشگاه شود. در نتیجه شرایط را اضافه کرد و تابعیت یکی از شرایط آن بود. پس از آن دیگر طلبه‌های افغانی از این امتیاز محروم شد. روی هم رفته این نبوغ در طلبه‌ها و نسل جوان ما در طول تاریخ چه در حوزه و چه در بخش دانشگاه وجود داشته است. با آن هم عاملی رشد و بالندگی این استعدادها، ظهور مرجعیت بومی را می‌طلبید. طلبه‌های ما تا قبل از ظهور مرجعیت درس می‌خواندند و سطح عالی را تمام می‌کردند، ولی کمتر انگیزه تحقیق و پژوهش در حوزه‌ها و مدارس موجود داشت. بعد از آن که حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی، این مسئولیت خطیر مرجعیت را پذیرفت، می‌بینیم که چه در عرصه حوزه‌ای و چه در حوزه دانشگاهی است. امروز ما نخبه‌های علمی قبل توجه در داخل و خارج داریم. من در یک جلسه در منزل استاد محقق در کابل گفتم و برایش پیشنهاد دادم که شما باید برای نوابغ افغانستان چه نوابغ دانشگاهی و چه نوابغ حوزه‌ای باشد، جایزه و مدال بدهید. از جمله از دوستان یکی آقای دکتور خطیبی بود و من گفتم که ایشان یکی از دانشجویانی خیلی موفق است و در رشته پتروشیمی در دانشگاه تهران تحصیل کرده است؛ معاون رئیس دانشگاه آزاد اسلامی ایران در کابل بود و حتی ریاست دانشگاه برایش پیشنهاد شد، ولی او قبول نکرده بود. آقای دکتور خطیبی در همان جلسه برای استاد محقق گفت: حالا چه من در ایران باشم و چه در کابل، در همان رشته‌ای که تحصیل کرده‌ام نظریه علمی من را باید دانشگاه تهران چه حضوری و چه از طریق فضای مجازی باید داشته باشد. این‌گونه استعدادها در جامعه ما بود، منتهی زمینه رشد و بالندگی نبود و مرجعیت خودی آمد

مهم داد و معیار و شاخص‌های در انتخابات ایشان مطرح کرد و طبعاً در راستای عزت و اقتدار جامعه تشییع در عرصه سیاسی تأثیرگذار است؛ اما هیچ وقت یک مرجع که در ایران یا در نجف است نمی‌تواند در عرصه سیاسی افغانستان دخالت کند نه تأثیرپذیری در جامعه دارد و همچنان رهبران سیاسی از یک مرجع غیربومی در عرصه سیاسی نمی‌توانند مسائل را بپذیرد، چون پیامدهای منفی خاصی خود را دارد.

آن مرجعی که در نجف یا قم است هم نمی‌تواند در عرصه سیاسی افغانستان دخالت کند و اگر هم دخالت کند، دخالت محسوب می‌شود. امروز اگر آیت الله فاضل بهسودی و آیت الله فیاض دخالت کند، شهروند افغانستانی است و جایگاه حقیقی و حقوقی دارد و چهره شاخص در جامعه تشییع است و حق نظر دارد. اگر یاد شما باشد در رابطه به احوال شخصیه یک سلسله اعتراضات و انتقاداتی بود، اما وقتی که ایشان دخالت کرد و آن فتوای تاریخی را داد، مثل این بود که آب روی آتش انداخته شد؛ مثلاً اگر یک مرجع غیربومی و غیر خودی، در نجف یا در قم آن پیام را می‌داد، همه اعتراض می‌کردند. اول خودی‌های ما و روشنفکران جامعه افغانستان می‌گفت که این ربطی به ایشان ندارد.

این علل و عوامل سبب شد که حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی با توجه به برکات و نیازهایی که در جامعه احساس می‌شد احساس مسئولیت کند و مرجعیت را بپذیرد. این کار، کاری بسیار شایسته‌ای شد و مردم ما حالا در عرصه فقهی، دینی، سیاسی و حکومت دارای هویت است. شما در هرات حتماً رفتید، مسجد جامع «خاتم الانبیا» بهترین مسجد نه تنها در افغانستان بلکه در کل آسیای میانه است. استاد محقق، استاد خلیلی و دیگر شخصیت‌های سیاسی ما در همان جا سخنرانی می‌کنند. در مدرسه علمیه خاتم الانبیا در دهه هشتاد و در سال‌های ۸۲-۸۵ من همراه با آیت الله عارفی و مرحوم آقای دانش دایکندی، مسئولیت دفتر را روی نوبت داشتیم. وقتی که در آنجا

بودیم، برادران هراتی ما و حتی علمای حوزه علمیه صادقانه هزاره‌ها را انسان درجه دوم می‌دانست.

در انتخابات اول ریاست جمهوری که استاد محقق یکی از کاندیدا بود، ما در هرات باستان فقط در یک مسجد ما عکس ایشان را دیدیم و آن را بررسی کردیم و عاملش یک خادم هزاره بود. اصلاً ما را در آنجا آدم حساب نمی‌کرد. با مرور زمان و ظهور مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، وقتی که مسجد جامع ساخته شد و نماز جمعه اقامه شد، حوزه علمیه خاتم الانبیا که فعلاً در جنوب و غرب افغانستان حوزه نمونه است به ثمر رسید. در نتیجه حالا مردم هزاره ما در ولایت هرات با ساختن این مرکز علمی و عبادی دارای هویت شد. این مسجد و این مدرسه مصدر وحدت مردم تشییع شد. لذا در عرصه مذهبی و دینی آیت الله محقق کابلی، مظهر عزت و اقتدار جامعه تشییع و مردم محروم هزاره شد و در عرصه سیاسی استاد شهید عبدالعلی مزاری.

این واقعیت است که در عرصه سیاسی ما دارای هویت هستیم و آن کسی که برای ما این هویت سیاسی را داد شهید مزاری بود. شهید مزاری بود ما را در حاکمیت سیاسی افغانستان تثبیت کرد، به گونه‌ای که فعلاً حدود هفت درصد سهم هستیم و در عین حال به آن حقوق اصلی خود نرسیده‌ایم. به همین اندازه هم که رسیده‌ایم به برکت خون شهید مزاری و یارانش بوده است. من به عنوان یک طلبه به این باورم که آیت الله العظمی محقق کابلی، نسبت به فقها و مراجع آینده افغانستان حق بزرگ دارد و شهید مزاری نسبت به رهبران سیاسی آینده افغانستان حق بزرگ دارد. لذا این دو شخصیت عزیز در راستای عزت و اقتدار ملت هزاره و جامعه تشییع در عرصه سیاسی و مذهبی جایگاه و حق ویژه دارد و نباید مراجع آینده ما و رهبران سیاسی آینده ما شهید مزاری و آیت الله العظمی محقق کابلی را فراموش کند.

پیشینه: درباره مشکلاتی که در ابتدای ظهور مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، مطرح بود توضیح



باورش نمی شد که مرجعیت هزاره و شیعه افغانستان جا بیفتند. دومین مشکل، سنگ اندازی جمع از خودی ها و شماری از حوزه ای ها بود و ما این مشکل را دیدیم. در ابتدای دهه هفتاد کشور میزبان نسبت به این پدیده دیدگاه منفی داشت، حساس بود و تبلیغات منفی می شد که این مرجعیت یک مرجعیت قومی و ملی است. بیشتر مسئله سازمان نصر، تنظیم هزاره و مغل مطرح می شد. حتی بعضی از دوستان صریح لهجه ما از شمال به نام شیخ حسین اخلاقی مزاری که شیخ رک و راست بود، در بعضی از جلسه ها که برابر می شد به نقل از دیگران می گفت که این مرجعیت ساخته و پرداخته تنظیمی های مثل هزاره، مغول و نصری ها است. ایشان همچنان می گفت که در بیرون تحلیل می شود، البته منظورش من بودم که هم عامل تنظیم هزاره است و هم

بدهید. طوری که خود شما هم مستحضر هستید مشکلات از جوانب مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی مشکلات ذهنی و روانی در بین مردم ما و شما وجود داشت. حتی علما و طلاب ما باورش نمی شد که کسی از میان مردم ما بیاید و در سطح مرجعیت عالی تشیع قدم علم کند و موقعیت آن به عنوان مرجع تقلید تثبیت شود. شما خودتان در متن قضایا بودید و مشکلات را به چشم خویش می دید. درباره این مشکلات و چالش ها می خواهیم از زبان شما بشنویم؟

حجت الاسلام اخلاقی: موانع و مشکلات زیاد در ابتدای مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی وجود داشت. در مرحله اول همان طوری که خود شما اشاره کردید، مشکلات ذهنی و باورمندی مردم و علما بود. خیلی ها نسبت به مرجعیت نظر نیک داشت، ولی

عامل سازمان نصر، مدیریت از بیرون می‌شود و عامل هم خودشان است و طرح‌های تنظیم و سازمان نصر را در دفتر پیاده می‌کند و خیلی از اعضای دفتر و مسئولین نهاد توجه به این مسئله ندارد. در حالی که چنین چیز نبود. مسئولین حوزه قم و چه مسئولین حوزه و غیر حوزه‌ی نسبت به مرجعیت افغانستان حساس شده بود، ولی در مرور زمان واقعیت‌ها کشف شد و حسن نظر حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی برای آن‌ها روشن شد و نهادهای حوزه‌ای و حکومتی نسبت به ایشان نظر بسیار نیک پیدا کرد. نمونه‌اش را در سال گذشته شما شاهد بودید که نهادهای جمهوری اسلامی ایران و حوزه علمیه قم در رابطه با مراسم تشیع و تدفین ایشان از دفتر مقام معظم رهبری گرفته تا دفاتر آیات عظام و جامع المصطفی نهایت همکاری را کردند؛ چون حسن نیتشان برای کشور میزبان ثابت شد.

ما هم در نماز جمعه و برنامه‌های خود، دعای امام و دعا در حق رهبری جز برنامه‌های ما بود و از این بابت هیچ توقع سیاسی نداشتیم و هدف ما این بود که در جهان تشیع همین نظام یک نظام نوپا است و در قدم اول برای طلبه‌ها و علما ولی نعمت گفته می‌شود. در انقلاب افغانستان هم به نحوی مرتبط بود و امام خمینی در ابتدای انقلاب شوری در افغانستان هزینه کرد و حتی اتحاد جماهیر شوری با ایران در رابطه به مسئله افغانستان مذاکره کرد و از ایران خواست که دست از حمایت انقلاب افغانستان بردارید و ما برای شما امتیاز می‌دهیم؛ اما امام خمینی در جواب آن‌ها گفت که این تکلیف الهی، اسلامی، شرعی و ایمانی ما است و ما نمی‌توانیم کوتاه بیایم. روی هم رفته یکی از مشکلات^{۱۳۹۱} مسئله خودی‌ها بود که در مرور زمان حل شد.

یکی از چالش‌های دیگر که در سال‌های اول مرجعیت داشتیم، مشکلات اقتصادی بود. مشکلات اقتصادی به اندازه‌ای بود که حتی ما در اداره دفاتر مشکل داشتیم. در سال ۱۳۸۲ من همراه آقای عارفی و خطیبی رفتیم و دفتر کابل را افتتاح کردیم. در آن زمان یکی از طلبه‌ها که فعلاً در استرالیا پناهنده شده در کابل آمده بود و ما از ایشان پنجاه دالر قرض گرفتیم. در

مرور زمان این مشکل اقتصادی کم شد و دفتر کابل شرعیه رسمی حوزه را در سال ۱۳۸۳ شروع کرد و دفتر مرجع از لحاظ اقتصاد به طور کلی خودکفا شد.

یکی دیگر از موانع، مشکلات ذهنی و روانی مردم و طلبه‌ها بود و هیچ‌گونه باورمندی نبود. اگر ما یک نگاه به گذشته‌های مرجعیت در افغانستان بیندازیم، می‌بینیم که مشکلات وجود داشته است. مرحوم آیت‌الله خراسانی هروی و بعد آیت‌الله روحانی مالستانی، رساله نوشتند و مرجع تقلید شد، ولی با موانع و چالش‌های فراوان مواجه شد و در نتیجه در این راه قربانی شد. مرجعیت افغانستانی در حوزه‌ها با همه قداست که دارد، هضمش مشکل بود. در حال حاضر هم شاید مرجعیت افغانستانی برای خیلی‌ها قابل قبول نباشد و این را بر نمی‌تابد. در دهه ۴۰-۵۰ در کفایه‌ها نوشته بود که خراسانی هروی؛ اما در سال‌های اخیر «هروی» را حذف کردند. یک موانع اساسی که ما داشتیم عبارت از یأس و ناامیدی جامعه و مردم ما بود که به نظر آن‌ها یک افغانستانی نه مجتهد می‌شود نه کسی از مجتهد افغانستانی تقلید می‌کند.

یکی دیگر از مشکلات در برابر مرجعیت افغانستانی، موانع خارجی بود و نمونه آن آقای هروی و مالستانی است. آیت‌الله هروی و خراسانی، مرجعیتشان مصادره شد و این یک واقعیت است. حضرت آیت‌الله جوادی آملی که یکی از نخبگان حوزه است و شخصی است که با صراحت‌گویی و حقایق‌گویی در طول تاریخ نظر ندارد، ایشان در نماز جمعه قم و همچنان در یک سیمینار علمی که در مدرسه امام خمینی برگزار شد، می‌گوید: افغانستان این افتخارات را دارد و ما صد سال روی سفره علمی آن‌ها تغذیه شدیم، ولی حیف این افغان که حالا به این روز گرفتار شده است.

یکی از موانع در برابر ظهور و بروز مرجعیت در افغانستان موانع داخلی و دیگر آن موانع خارجی بود که مرجعیت افغانستانی را نمی‌توانست هضم کند. حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی، این مسیر را باز کرده و در عین حال چالش و موانع در خارج وجود دارد. باز هم نظام جمهوری اسلامی ایران با سعه صدر که



کابل هم‌زمان شد. شهادت شهید مزاری و یارانانش بستر بسیار مناسب برای تثبیت مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی شد. اگر خون شهید مزاری و هم‌زمانی مرجعیت با شهادت ایشان نبود، این استقبال مردمی را که مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، پیدا کرد اتفاق نمی‌افتد.

یادم است وقتی که در مسجد اعظم مجلس فاتحه برگزار شد و مرحوم فاضلی لنکرانی در آن مراسم شرکت کرد، شعارها بسیار کوبنده، هدفمند و آرمانی بود. آقای لنکرانی بسیار ناراحت شد و گفت: این جلسه، جلسه ختم است یا جلسه کمپین مرجعیت. این تأثیر عجیبی داشت؛ علاوه بر این که حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، در حزب وحدت رئیس شورای عالی نظارت نیز بود.

البته من این نکته را بلا واسطه نقل می‌کنم، چون من از خود ایشان نپرسیدم. بعد از رحلت آیت الله گلپایگانی شهید مزاری به حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی گفته بود که حزب وحدت یک نهاد سیاسی و زبان سیاسی مردم هزاره و جامعه تشیع است و در عین حال سیاست فعلی غیر از زمان سیاست حضرت علی است. این سیاست توأم با غلطی و نیرنگ است و با شأن و جایگاه حضرت عالی هم خوانی ندارد. خود شما یا این که حضرت آیت الله العظمی فیاض را وادار کنید و رساله عملیه چاپ کنید. ما حالا مشکلی که داریم، مشکلی فتوا است. در حال حاضر خیلی از مراجع نمی‌تواند که در مسائل جهادی افغانستان مداخله کند و فتوا صادر کند. این اولین پیشنهاد شهید مزاری به حضرت آیت الله

العظمی محقق بود. وقتی که شهید مزاری به قم آمد و ما با یک هیئت دوازده نفری همراهش رفتم به مشهد مقدس. مؤسس و بنیان‌گذار مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، شورای مدرسین علمیه مشهد و در رأس حضرت آیت الله محقق خراسانی است. شهادت شهید مزاری هم‌زمان شد با سال‌های اول مرجعیت و این شهادت، مرجعیت را به اوج رساند. اگر شهادت شهید مزاری با مرجعیت هم‌زمان نمی‌شد، آیت الله محقق کابلی، به این اندازه استقبال مردمی را که در دو دهه گذشته پیدا کرد نمی‌توانست پیدا کند.

دارد این مشکل حل شده و آیت الله محقق کابلی، راه را هموار کرده و برای فقهای آینده ما این مشکلات و موانع وجود نخواهد داشت. من یک نمونه عینی را از یأس و ناامیدی خود ما خدمت شما عرض کنم: سرهمین کوچه «شیش» با یکی از علمای بزرگ ولایت دایکندی مرحوم شیخ یوسف امینی، یک شب تصادفاً برابر شدم و ایشان دست من گرفت و گفت: شما در حق آیت الله العظمی محقق کابلی، جفا کردید. در حالی که نظر آقای امینی نظرنیک بود و این حرف را به دلیل یأس و ناامیدی که داشت می‌گفت. از ایشان سؤال کردم که چطور ما در حق آیت الله کابلی جفا کردیم؟ در جوابم گفت: آیت الله محقق کابلی، نماینده عام و تام آیت الله خویی، آیت الله خمینی و مدرس حوزه علمیه قم بود و جایگاه رفیع و بلندی در حوزه و نزد مراجع و مدرسین داشت. شما ایشان را به آسمان چهارم بلند کردید و قطعاً جانمی‌افتد و بعد از آسمان چهارم پایین می‌زنید. همان حیثیتی که در حوزه علمیه قم به عنوان مدرس و شخصیت جاافتاده علمی و مورد احترام همه بود. در نتیجه شما ایشان را منزوی می‌کنید و این بزرگ‌ترین جفا در حق آیت الله محقق کابلی است. من دستش را گرفتم و برایش گفتم: آقای استاد امینی ناامید نباش، جامعه ما آن جامعه چهار سال پیش نیست. فعلاً به برکت شهدا و انقلاب اسلامی و هجرت یک تحول نفسانی و درونی پیدا شده و مردم جامعه ما بیدار شده است. جای نگرانی نیست این مسئله جا می‌افتد. ایشان گفت که خدا کند همان‌طور باشد.

ترجمه: درباره نقش حضرت آیت الله العظمی محقق خراسانی، در تثبیت مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی توضیح بدهید؟

حجت الاسلام اخلاقی: در رابطه به تثبیت مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، دو شخصیت تأثیرگذاری ویژه داشت. این دو شخصیت، شهید مزاری و حضرت آیت الله محقق خراسانی بود. مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، با شهادت سردار شهدا شهید عبدالعلی مزاری و یارانانش در غرب



آیت الله محقق خراسانی می کردند؛ ولی آیت الله محقق خراسانی به آیت الله محقق کابلی گفت: شما این سمت و مسئولیت را بپذیرید. شما یک مجتهد مسلم هستید و آن ویژگی که شما دارید من ندارم. شما از نظر سیاسی، اجتماعی و علمی شخصیت جاافتاده هستید و در حوزه های علمیه هم جایگاه ویژه دارید؛ بنابراین باید این سمت را بپذیرید.

با آن هم حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی مرجعیت را در مشهد پذیرفت و گفت که من باید بروم به قم و با بزرگان قم هم مشورت کنم. در یک شب من همراه آیت الله محقق خراسانی تنها بودم و از وی سؤال کردم که شما یک مجتهد مسلم هستید و من یک طلبه جوان، آیا ما می توانیم آیت الله محقق کابلی را همراهی کنیم؟ اگر همراهی کنیم از نظر شرعی کدام مشکلی دارد؟ حضرت آیت الله محقق کابلی در عرصه فقه و اصول قهرمان است و من در ده روزی که در منزل ایشان بودم از طرف صبح باهم نبرد علمی داشتیم و من با شماری زیاد از مراجع از جمله آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله منتظری، آیت الله سید محمد شیرازی و بقیه بحث کرده ام. ایشان از همه مراجع

دومین شخصیتی که در تثبیت مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، نقش اساسی داشت، حضرت آیت الله محقق خراسانی بود. آیت الله محقق خراسانی در راستای تثبیت مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، در حوزه های علمیه بسیار تأثیرگذار بود. اگر آیت الله محقق خراسانی نبود، خیلی ها و از جمله خود من با حضرت آیت الله العظمی محقق کابل همراه نمی شدم. حضرت آیت الله محقق خراسانی خودش مجتهد و صاحب فتوا و صاحب نظر بود و خیلی ها به اعتماد ایشان با آیت الله محقق کابلی همراه شد. مرحوم حسین شفایی، آیت الله صمدی چاغوری، پیشه موسوی که بنده هم در جمع آن ها بودم همراه با یک هیئت دوازده نفری ایشان را به مشهد همراهی کردیم. اصلاً تا آن زمان شخص حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی به این باور نبود که مرجع شود. در مشهد که رفتیم، پیام ها و شعارهای مشهدی ها و در رأس آیت الله محقق خراسانی، طوری بود که حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی مرجعیت را بپذیرد. در یک هفته ای که ما در مشهد بودیم از هر ولایت و هر ولسوالی مردم دسته دسته می آمدند و تقاضای چاپ رساله

در جلسه «خادم آباد» حتی ایشان مشتش را گره می زد و می گفت: مزاری مزاری ما همه سرباز توهستیم. به این اندازه در این مسیر تلاش کرد. در راستای تثبیت مرجعیت آیت الله محقق کابلی در قدم اول آیت الله خراسانی و شهید مزاری و در قدم دوم طلبه های جوان ما نقش اساسی داشتند. حتی عده ای از طلبه های جوان در این مسیر قربانی و از حوزه ها رانده شدند.

بنیاد: در اخیر اگر کدام گفتنی خاصی داشته باشید بفرمایید؟

حجت الاسلام والمسلمین اخلاقی: گفتنی زیاد ندارم. انتظاری که ما از دوستان داریم این است که حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، اولین و آخرین مرجع ما نباشد. با توجه به ثمرات و برکاتی که مرجعیت بومی در افغانستان دارد، باید این مرجعیت مثل سابق استمرار پیدا کند و این پرچم تا قیام بقیه الله برافراشته بماند. این انتظار ما از شما طلبه های جوان این است که این پرچم به زمین نماند و استمرار پیدا کند و مرجعیت تشیع افغانستان ان شاء الله به انقلاب حضرت مهدی وصل شود. خواهش من از طلبه های جوان این است که در عرصه سیاسی هم فعال باشد.

از نظر ما، دین و سیاست از همدیگر جدا نیست، چون پیغمبر و حضرت علی مؤسس حکومت است. اگر دین از سیاست جدا می بود حضرت علی در رأس حکومت قرار نمی گرفت و پیغمبر خدا در مدینه حکومت تشکیل نمی داد. در عرصه سیاسی، احیای آرمان شهید مزاری و در عرصه مذهبی مرجعیت آیت الله محقق کابلی در راستای عزت و اقتدار مردم ما کارساز است و نسل جوان حوزه ای و دانشگاهی ما در این دو بعد کار کند. آرمان این دو عزیز را نگهداری کند. من معتقدم که آرمان این دو شخصیت ما، عزت و اقتدار تاریخی جامعه تشیع و مردم محروم هزاره را در آینده بیمه خواهد کرد. □

فقط روی آیت الله منتظری عنایت خاصی داشت و می گفت: ایشان از نظر علمی شخص بسیار توانا است. ایشان گفت که آیت الله محقق کابلی از خیلی از مراجع بالاتر است و با خیلی ها برابر است و هیچ کمبودی از سایر مراجع ندارد؛ بنابراین وظیفه شرعی و طلبگی شما است که جامعه تشیع افغانستان با این محرومیتی که دارد، مرجعیت آیت الله کابلی ضروری و حمایت از آن وظیفه شرعی و ملی برای شما است. سعی کنید که در این کاروان تا آخرین لحظه همراه باشید و از ایشان جدا نشوید و مرجعیت منشأ خیرات و برکات است و در آینده منشأ خدمات خواهد شد که همین گونه هم شد.

آیت الله محقق خراسانی کمر ما را بست و ما در این مسیر قرار گرفتیم. اگر آیت الله محقق خراسانی نبود، خیلی از علما، حتی شورای مدرسین مشهد و بزرگانی در حوزه علمی قم به اطراف آیت الله محقق کابلی جمع نمی شدند. در زمانی که ما همراه آیت الله محقق خراسانی در نجف بودیم، ایشان می گفت: افغانستان نیاز اساسی به یک مرجع تقلید دارد و من کمر را بستم که طی یک دهه آینده ده تا پانزده مجتهد مسلم و جامع شرایط را تحول جامعه افغانستان بدهم. مرجعیت در افغانستان یکی از آرمان ها و آرزوهای دیرینه آیت الله محقق خراسانی بود و در این مسیر هزینه کرد. از خیلی مقام و موقعیت اجتماعی و پولی در ایران دست برداشت، در عین حالی که تابعیت ایرانی داشت.

آیت الله محقق خراسانی بچه خراسان و متولد ایران و ایرانی است. عرق مذهبی و ملی داشت و از تیره و تبار مردم محروم هزاره بود و این محرومیت ایشان را بسیار زنج می داد. وقتی که ما در سفرها در کنارش می رفتیم، می دیدیم که انگار ایشان از خوشحالی بال درآورده است. حمایت از مرجعیت آیت الله محقق کابلی و رهبری سیاسی را آیت الله خراسانی وظیفه می دانست و